
ناکامی شورای حقوق بشر در حمایت مؤثر از حقوق بشر در غزه با نگاهی به گزارش گلدستون

محسن امیدزمانی*

دیباچه

انتشار گزارش ۵۷۴ صفحه‌ای هیأت حقیقت‌یاب شورای حقوق بشر به سرزمین‌های اشغالی فلسطین به ریاست ریچارد گلدستون موسوم به گزارش گلدستون در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۹ و تصویب آن از سوی شورای حقوق بشر در تاریخ ۱۶ اکتبر ۲۰۰۹ تحول حقوق بشری مهمی بود که توجه بسیاری از صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل و فعالان حقوق بشری را به خود جلب نمود. این گزارش اگرچه از ابعاد مختلفی برخوردار بوده و به دلیل ویژگی‌های آن نیازمند توجه و دقت نظر بیشتری می‌باشد، اما

* محسن امیدزمانی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در سنگاپور و دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل دانشگاه پیام نور است. (m_omidzamani43@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۱ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۲۰
فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال هشتم، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۰، صص ۶۱-۳۹.

طرح دو موضوع مهم در گزارش مزبور از اهمیت زیادی در حقوق بین‌الملل برخوردار می‌باشد. موضوع نخست برقراری ارتباط تنگاتنگ بین مسائل حقوق بشری و حقوق بشر دوستانه از یک طرف و صلح و امنیت بین‌المللی از طرف دیگر است. سعی در برقراری این ارتباط از سوی تدوین‌کنندگان گزارش بیشتر در راستای تضمین احترام به حقوق بشر و مقابله با فرهنگ بی‌کیفیری بوده که از اهداف تأسیس شورای حقوق بشر در سال ۲۰۰۶ به شمار می‌آید. (Goldstone Report, para. 1966). موضوع دوم در گزارش متهم نمودن طرف‌های درگیر در جنگ ۲۲ روزه غزه به‌ویژه رژیم اسرائیل به جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت و توصیه به شورای امنیت و دیوان بین‌المللی کیفری برای محاکمه جنایتکاران جنگی و پاسخگو نمودن کشورها و افراد در برابر اعمال و اقدامات ضد حقوق بشری است که از نظر حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد.

آنچه مورد سوال نگارنده می‌باشد این است که به‌رغم اهمیت این گزارش و توصیه‌های گلدستون مبنی بر حمایت از حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین و محاکمه جنایتکاران جنگی در جنگ ۲۲ روزه غزه از طریق ارجاع موضوع توسط شورای امنیت به دیوان بین‌المللی کیفری و یا اقدام مستقیم دیوان به چه دلایلی تاکنون عملی نشده است؟ به‌عبارت دیگر تعلق شورای امنیت در اجرای توصیه شورای حقوق بشر و گزارش گلدستون در ارجاع موارد نقض حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین به دیوان بین‌المللی کیفری و یا عدم ورود دیوان به‌عنوان یک مرجع بین‌المللی کیفری در رسیدگی به موارد ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه انسانیت مندرج در گزارش گلدستون به چه دلایلی تاکنون انجام نگرفته است؟ در همین رابطه پرسش کلیدی این است که آیا شورای حقوق بشر توانسته از طریق اعزام هیأت حقیقت‌یاب به غزه در جهت حمایت مؤثر از حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و مقابله با بی‌کیفری گام بردارد؟ نگارنده به‌دنبال پاسخ به این پرسش‌ها تلاش دارد مطالبی را در قالب دو گفتار متضمن تشریح خواستگاه گزارش گلدستون، موارد و مصادیق جنایات جنگی و

جنایت علیه بشریت در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و تطابق آن با موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در سرزمین‌های اشغالی فلسطین مندرج در گزارش گلدستون و نحوه اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری در این خصوص و میزان موفقیت شورای حقوق بشر در حمایت از حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین را مورد توجه و ارزیابی قرار گیرد. به نظر می‌رسد دیوان بین‌المللی کیفری با توجه به عدم عضویت اسرائیل و فلسطین در دیوان و عدم تمایل شورای امنیت برای ارجاع موضوع به دیوان، با بررسی موضوع جنایات جنگی و جنایت علیه انسانیت با محدودیت‌های جدی روبه‌رو است و همین امر اجرایی شدن توصیه‌های گلدستون به‌منظور حمایت از حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین را با بن بست مواجه ساخته است. فرضیه نگارنده این است که با توجه به محدودیت‌های حقوقی و موانع سیاسی موجود، شورای حقوق بشر در حمایت مؤثر از حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و مقابله با فرهنگ بی‌کیفری در سرزمین‌های اشغالی موفق عمل نکرده است. برای انجام تحقیق حاضر و رهنمون شدن به نتایج تحقیق و آزمون فرضیه از روش توصیفی و تحلیلی بهره برداری و مطالب در قالب دو گفتار به تحریر در خواهد آمد.

گفتار یکم: گزارش گلدستون و موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی

الف) نحوه تهیه و انتشار گزارش گلدستون

۱. برگزاری نهمین نشست ویژه شورای حقوق بشر در خصوص حمله اسرائیل به غزه

به دنبال حملات و تهاجم وسیع ارتش اسرائیل به غزه در تاریخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ و کشتار غیرنظامیان و استمرار این حملات، شورای حقوق بشر با درخواست کشورهای اسلامی، عربی، عدم تعهد و افریقایی نشست ویژه‌ای را در تاریخ ۱۲ ژانویه ۲۰۰۹ در شهر ژنو برگزار نمود. شورا در پایان این نشست قطعنامه‌ای به تصویب رساند که حملات نظامی رژیم اشغالگر که منجر به کشتار گسترده مردم نوار غزه و از جمله شمار

زیادی از زنان و کودکان ساکن این منطقه و همچنین نقض فاحش حقوق مردم فلسطین و تخریب سازمان یافته زیرساخت‌های نوارغزه شده بود، به شدت محکوم گردید. (Resolution S-9/1 of 12 January 2009) همچنین شورا در این قطعنامه نکات اساسی و مهمی را در خصوص نحوه مواجهه با وضعیت‌های حاد حقوق بشری و به‌ویژه وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی و حمایت از حقوق بشر و مقابله با بی‌کیفیری مورد توجه قرار داد. تأکید بر اینکه صلح، امنیت و توسعه و حقوق بشر از ارکان نظام ملل متحد به شمار می‌آیند، توجه به اصل حق تعیین سرنوشت و ناروایی دستیابی به زمین از طریق به‌کارگیری زور، تأکید بر قابلیت اجرایی حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین به‌ویژه کنوانسیون چهارم ژنو در ارتباط با حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ و ضرورت تعهد کشورهای عضو کنوانسیون چهارم ژنو به رعایت مفاد کنوانسیون مزبور به‌ویژه در ارتباط با حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ و توصیه به اجرای تعهدات ناشی از این کنوانسیون برای کشورهای عضو، ابراز نگرانی شدید نسبت به عملیات گسترده مداوم نظامی اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی به‌ویژه نوار غزه که نقض شدید حقوق بشر شهروندان غیرنظامی فلسطینی و ایجاد بحران بشری شدید را موجب شده است، تأکید بر اینکه محاصره تحمیل شده بر نوار غزه از جمله بستن مرزها و قطع تامین سوخت، غذا و دارو منجر به تنبیه دسته جمعی غیرنظامیان فلسطینی و وقوع یک فاجعه انسانی و عواقب زیست محیطی خواهد شد، درخواست از دولت اشغالگر برای توقف حملات به غیرنظامیان و تسهیلات پزشکی و نابودی سیستماتیک میراث مردم فلسطین و همچنین ساختمان‌های شخصی و عمومی براساس کنوانسیون چهارم ژنو و برداشتن محاصره و بازکردن مرزها به‌منظور دسترسی آزاد به کمک‌های بشر دوستانه بین‌المللی، فراخوان جلب حمایت سریع بین‌المللی از مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی در چارچوب اجرای تعهدات حقوق بشری بین‌المللی و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و توصیه به تمام طرف‌ها برای احترام به حقوق بشر بین‌المللی و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و خودداری از

خشونت علیه جمعیت غیرنظامی از مهم‌ترین سرفصل‌های قطعنامه مزبور می‌باشد.

۲. مأموریت هیأت حقیقت‌یاب به سرزمین‌های اشغالی فلسطین

گزارش گلدستون محصول تحقیقات یک هیأت حقیقت‌یاب از شورای حقوق بشر به ریاست قاضی ریچارد گلدستون^۱ می‌باشد که از سوی رئیس شورای حقوق بشر به منظور بررسی حقایق درگیری‌های غزه در پی حملات و تهاجم وسیع مورخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ ارتش اسرائیل به غزه و مردم فلسطین در این منطقه منصوب گردید. رئیس شورای حقوق بشر در تاریخ ۳ آوریل ۲۰۰۹ و براساس پارگراف ۱۴ قطعنامه مصوب نهمین نشست ویژه شورا ضمن تعیین اعضای هیأت حقیقت‌یاب و انتصاب قاضی ریچارد گلدستون به ریاست آن، به این گروه اختیار تام داد تا درباره کلیه حوادث مربوط به نقض حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و حقوق بشر بین‌المللی در تمام مدت عملیات نظامی اسرائیل از تاریخ ۲۷ دسامبر سال ۲۰۰۸ میلادی لغایت ۱۸ ژانویه سال ۲۰۰۹ میلادی، تحقیق و بررسی نماید. براساس این مأموریت، گروه حقیقت‌یاب می‌بایست ضمن بررسی موارد متعدد نقض حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی، نظرات خود را در خصوص اصل حق تعیین سرنوشت، اصل عدم پذیرش دستیابی به زمین از طریق به‌کارگیری زور، قابلیت اجرایی حقوق بشر دوستانه و کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ و اعمال آن در ارتباط با حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، لزوم خاتمه دادن به اشغال کلیه سرزمین‌های اشغالی فلسطین، تأیید موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی به شورا ارائه می‌داد.

۳. انتشار گزارش هیأت حقیقت‌یاب (گزارش گلدستون)

گزارش هیأت حقیقت‌یاب موسوم به گزارش گلدستون در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۹ منتشر شد. (Goldstone Report, A/HRC/12/48) براساس گزارش هیأت حقیقت‌یاب، علاوه بر

۱. قاضی ریچارد گلدستون در گذشته عضو دادگاه قانون اساسی کشور آفریقای جنوبی و دادستان سابق دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در یوگسلاوی سابق و رواندا نیز بوده است.

نقض فاحش و گسترده حقوق بشر در غزه و سرزمین‌های اشغالی فلسطین، موارد متعددی از جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت نیز توسط ارتش اسرائیل صورت پذیرفته است. مهم‌ترین موارد این جنایات عبارتند از:

- کنوانسیون‌های ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو در رابطه با حقوق بشر دوستانه در جنگ‌ها با کشتارهای جمعی، تبعید و کوچ اجباری، حملات بر ضد مردم غیرنظامی و تخریب عمدی تأسیسات تامین غذا، سیستم آب آشامیدنی و مختل شدن روند عادی زندگی جمعیت غیرنظامی مورد نقض فاحش قرار گرفته است.

- محاصره تحمیلی بر غزه توسط اسرائیل منجر به مجازات دسته جمعی و اعمال سیاست سازمان یافته انزوای تدریجی و محروم نمودن در نوار غزه بوده است
- سیاست به‌کارگیری غیرمتناسب زور با هدف تنبیه دسته جمعی از سوی اسرائیل اعمال شده است.

- حمله عمدی به غیرنظامیان در غزه با برنامه‌ریزی و طراحی و تصمیمات سیاسی عمدی اسرائیل انجام گرفته و اصل بنیادین تفکیک در حقوق بشردوستانه بین‌المللی نادیده گرفته شده است.

- علاوه بر حملات عمدی به مساجد، منازل مسکونی شخصی و بیمارستان‌ها و خودروهای امدادی، از بمب‌های فسفوری به‌ویژه علیه کاروان‌های امدادی و پزشکی و بیمارستان‌ها استفاده سیستماتیک و غیرمسئولانه شده است.

- عدم رعایت اصل تناسب در حملات و هدایت حملات علیه غیرنظامیان که آثارکشنده و مهلک دربرداشته است.

- عدم رعایت اصل بنیادین تفکیک در حقوق بشردوستانه مبنی بر تفکیک بین اهداف و اموال نظامی و غیرنظامی موجب کشته شدن و تخریب گسترده توسط نیروهای اسرائیلی در عملیات‌های نظامی گردیده است.

۴. توصیه‌های مندرج در گزارش گلدستون

گلدستون در خاتمه گزارش که در جریان برگزاری دوازدهمین نشست ویژه شورا در

۱۶ اکتبر ۲۰۰۹ در قالب قطعنامه‌ای به تصویب رسید (A/HRC/RES/S-12/1) با توجه به یافته‌های هیأت حقیقت‌یاب از موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه و تأیید تحقق جنایات جنگی و جنایت علیه انسانیت در جنگ غزه، توصیه‌هایی را به شورای حقوق بشر، مجمع عمومی، شورای امنیت، دیوان بین‌المللی کیفری، کمیساریای عالی حقوق بشر و طرفین درگیر ارائه نمود. از جمله این توصیه‌ها، درخواست از شورای امنیت نسبت به ارجاع وضعیت درغزه به دیوان بین‌المللی کیفری در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد (ماده ۴۰) و مطابق با بند B ماده ۱۳ اساسنامه دیوان (Goldestone Report, Para 1969 (c))^۱ می‌باشد. همچنین در گزارش به دیوان بین‌المللی کیفری توصیه می‌شود که نظر خود را نسبت به اعلامیه پذیرش طرف فلسطینی^۲ در خصوص صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری (به‌عنوان یک عامل مؤثر در تعیین وضعیت فلسطین و اینکه آیا فلسطین واجد شرایط یک کشور خواهد شد یا خیر) (Goldestone Report, Para 1970) سریعاً اعلام نماید.

ب - موارد جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت در گزارش گلدستون

گلدستون در گزارش خود ضمن تشریح حوادث مختلف در طول جنگ ۲۲ روزه اسرائیل علیه مردم غزه و اشاره به کشته شدن حداقل ۱۳۸۷ نفر در این جنگ از جمله ۳۰۰ کودک و ۱۰۰ زن فلسطینی (Goldestone Report, paras 30,33&355)، موارد متعددی از وقوع نقض‌های شدید حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در خلال

۱. در پاراگراف شماره ۱۹۶۹ گزارش گلدستون، به شورای امنیت توصیه می‌شود که طرف‌های درگیر در جنگ غزه اعم از اسرائیل و فلسطینی‌ها تحقیقات مستقلی را در خصوص موارد ارتكابی نقض حقوق بشر در مدت سه ماه انجام داده و به شورای امنیت گزارش نمایند. همچنین از شورا خواسته می‌شود یک کمیته مستقل جهت نظارت و ارائه گزارش به شورای امنیت ظرف مدت شش ماه در خصوص راستی‌آزمایی تحقیقات داخلی مزبور انجام پذیرد. گفتنی است کمیته تحقیق براساس ماموریت محوله از سوی مجمع عمومی به شورای حقوق بشر در تاریخ ۱۴ ژوئن ۲۰۱۰ تشکیل و پس از سفر به سرزمین‌های اشغالی فلسطین، گزارش خود را بدون هیچ توصیه‌ای در سپتامبر ۲۰۱۰ منتشر نمود.

۲. اعلامیه پذیرش صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری در سرزمین‌های اشغالی فلسطین در ژانویه ۲۰۰۹ از سوی دولت خودگردان فلسطین تقدیم دیوان شده است.

جنگ را مورد تأیید قرار داد. وی همچنین ضمن اشاره به حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی و کنوانسیون چهارم ژنو برخی موارد ارتكابی نقض‌های حقوق بشری و حقوق بشردوستانه بین‌المللی توسط ارتش اسرائیل را تحت عناوین جنایات جنگی و احتمالاً جنایت علیه بشریت تقسیم نمود.

۱. مصادیق جنایات جنگی در گزارش گلدستون

- نقض کنوانسیون چهارم ژنو در ارتباط با کشتار عمدی (Goldestone Report, paras 46,50&60)

- تحمیل محاصره بر غزه توسط اسرائیل که منجر به مجازات دسته جمعی و اعمال سیاست سازمان یافته انزوای تدریجی و محروم نمودن در نوار غزه بوده است، با اشاره به عدم امکان بازسازی خرابه‌های خانه‌های مردم به خاطر استمرار محاصره (Goldestone Report, paras 27,65,66,70,75)

- استمرار سیاست به‌کارگیری غیرمتناسب زور با هدف تنبیه دسته جمعی (Goldestone Report, paras 60,74,78,91).

- حمله عمدی به غیرنظامیان در غزه از طریق برنامه‌ریزی و طراحی و تصمیمات سیاسی عمدی اسرائیل با در نظر گرفتن توانایی طرح و برنامه‌ریزی و اجرای این طرح‌ها با تکنولوژی پیشرفته در دسترس اسرائیل (Goldestone Report, paras 32,43,704 & 1921).

- تخریب عمدی تأسیسات تامین غذا، سیستم آب آشامیدنی و مختل شدن روند عادی زندگی جمعیت غیرنظامی که ناقض کنوانسیون چهارم ژنو ناظر بر محافظت از غیرنظامیان و اماکن غیرنظامی در زمان جنگ می‌باشد (Goldestone Report, paras 50,52,54).

- محروم شدن مردم فلسطین از برخورداری از مسکن، آب و اشتغال به‌واسطه اقدامات رژیم صهیونیستی علیه مردم فلسطین در نوار غزه (Goldestone Report, para 57).

- حمله عمدی به مسجدی در منطقه جبالییا به هنگام ادای نماز مغرب با جمعیتی بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر و کشته شدن دست کم ۱۵ نفر و مجروح شدن ۴۰ نفر در این

حادثه به‌رغم عدم وجود نشانه‌هایی دال بر استفاده از این مسجد به‌عنوان انبار سلاح (Goldestone Report, para 350).

- حمله عمدی هلی کوپترهای ارتش اسرائیل به منزل شخصی در شهر زیتون و کشته شدن ۲۱ نفر از اعضای خانواده وائل السامونی از جمله کودکان و زنان آنها بر اثر این حمله (Goldestone Report, paras 707 & 716).

- حمله به مدرسه الفاخوره به هنگام تجمع مردم در این مدرسه و کشته شدن ۳۵ نفر و مجروح شدن ۴۰ نفر از مردم غیرنظامی در این مدرسه (Goldestone Report, para 350).

- استفاده بی‌رویه و سیستماتیک از بمب‌های فسفوری به‌ویژه علیه کاروان‌های امدادی و پزشکی و بیمارستان القدس و هدایت حملات علیه غیرنظامیان با آثار کشنده و مهلک و عدم رعایت اصل تناسب در حملات (Goldestone Report, paras 48 & 53).

- انجام موارد متعدد عملیات نظامی اسرائیل در تخریب منازل، شرکت‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، ایستگاه‌های پلیس و دیگر اماکن عمومی (Goldestone Report, para 40).

- حمله عمدی و مستقیم علیه بیمارستان‌های القدس و الوفا با بمب‌های فسفوری بدون اعلام هشدار قبلی (Goldestone Report, para 1919).

- هدایت عملیات نظامی اسرائیل به‌منظور پیشبرد سیاست مستمر و کلی مجازات جمعیت غیرنظامی در غزه، علیه کل جمعیت و در یک سیاست عمدی با توسل غیرمتناسب به زور علیه جمعیت غیرنظامی (Goldestone Report, paras 1878 & 1921).

- عدم رعایت اصل بنیادین تفکیک در حقوق بشردوستانه و کشتن و تخریب نیروهای اسرائیلی طی عملیات‌های نظامی، به‌رغم لزوم رعایت اصل تفکیک بین اهداف و اموال نظامی و غیرنظامی (Goldestone Report, paras 1929 & 1921).

۲. مصادیق جنایت علیه بشریت در گزارش گلدستون

- محروم نمودن فلسطینی‌ها در نوار غزه از امرار معاش روزانه، کار، خانه و آب، آزادی عبور و مرور و حق ترک و بازگشت به کشورشان و حق دسترسی به یک دادگاه برای احقاق حقوق خود (Goldestone Report, para 1936).

- رنج روانی تحمیل شده به کودکانی که در مدارس آژانس امداد رسانی ملل متحد به سر برده و احیاناً خانواده‌های خود را از دست داده اند (Goldestone Report, para 1282).

- تبعیض سیستماتیک علیه فلسطینی‌ها در مقایسه با شهروندان اسرائیلی (در قوانین و در عمل) و اعمال این تبعیض‌ها به هنگام بازداشت، محاکمه و صدور حکم که در مغایرت آشکار با ماده ۲ پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی می‌باشد (Goldestone Report, paras 1332 & 1502).

- نقض آزادی عبور و مرور، حق خروج و ورود به کشور (Goldestone Report, para 75).

- تنبیه دسته جمعی جمعیت غیرنظامی فلسطین با حملات عمدی و گسترده علیه آنها (Goldestone Report, para 1331).

- عدم تفکیک بین اهداف نظامی و حملات علیه جمعیت غیرنظامی (Goldestone Report, paras 53, 1921, 1950, 1888 & 1929).

- نقض فاحش حقوق بشر بین‌المللی و نقض حقوق بشر دوستانه بین‌المللی به دلیل حمله علیه جمعیت غیرنظامی (Goldestone Report paras 1005, 1889, 1921, 1929 & 1950).

گلدستون همچنین در خصوص جنایت علیه انسانیت بر وجود سه عامل مؤثر در تحقق جنایات علیه انسانیت در درگیری‌های غزه، شامل تعرض و تهاجم گسترده و یا سازمان یافته و آگاهی از تهاجم علیه جمعیت غیرنظامی بودن تأکید می‌نماید. (A/HRC/12/48, para 25, pp. 15-16)

ج - مصادیق جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت بر طبق اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری

۱. جنایت جنگی در اساسنامه دیوان

ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری جنایات جنگی را در دو گروه تقسیم‌بندی کرده است:

۱. نقض فاحش کنوانسیون‌های ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو در رابطه با حقوق بشر دوستانه در جنگ‌ها

۲. نقض فاحش قوانین و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل و حاکم بر منازعات

مسلحانه بین‌المللی

ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری همچنین مصادیق جنایات جنگی را شامل کشتار جمعی، شکنجه، رفتارهای غیرانسانی، تبعید و کوچ اجباری، گروگان‌گیری، حملات برضد افراد غیرنظامی یا نظامیانی که مشارکت مستقیم در مخاصمه ندارند، تجاوز جنسی، خشونت جنسی، تخریب و ضبط گسترده اموال که ضرورت‌های نظامی آن را توجیه نمی‌کند، بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر پانزده سال برای جنگ و... قلمداد نموده است.

۲. جنایت علیه انسانیت در اساسنامه دیوان

مطابق بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری منظور از جنایات علیه بشریت، هر یک از اعمال مشروحه ذیل است که به‌عنوان بخشی از یک تعرض و هجمه گسترده یا سازمان یافته و با علم به آن هجمه، بر ضد هر جمعیت غیرنظامی، صورت می‌گیرد. این اعمال عبارتند از قتل عمدی، نابودسازی، به بردگی گرفتن، بیرون راندن یا انتقال اجباری یک جمعیت، حبس کردن یا اشکال ایجاد محدودیت شدید نسبت به آزادی رفت و آمد در تخطی از قواعد اساسی حقوق بین‌الملل، شکنجه، هتک ناموس به عنف برده‌گیری جنسی، به فحشا واداشتن، حمله کردن اجباری، عقیم‌سازی اجباری، زجر و آزار هر گروه یا جمع شناسایی به دلایل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی یا سایر زمین‌هایی که تحت صلاحتی دیوان قرار دارد، ناپدیدسازی اجباری اشخاص، جنایت جدائی دیگری (تبعیض نژادی)، سایر اعمال غیرانسانی با خصیصه مشابه که عمدا باعث رنج فراوان، یا صدمات جدی به جسم یا سلامت روحی و جسمی می‌گردد (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳: ۱۷۶). البته سه عامل مؤثر در تحقق جنایات علیه انسانیت نقش عمده دارند. وقوع حمله بر ضد جمعیت غیرنظامی، گستردگی یا سازمان یافتگی حملات و علم به ارتکاب حمله سه عاملی هستند که در صدر بند ۷ اساسنامه دیوان به آنها اشاره شده است (3) (Rome Statute, 2011).

گفتار دوم: نحوه اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری در رسیدگی به گزارش گلدستون

الف - روش‌های اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری در پرونده‌های کیفری

دیوان بین‌المللی کیفری یک نهاد کیفری بین‌المللی است که در حال حاضر از مشروعیت بین‌المللی لازم برای اعمال صلاحیت در خصوص اتهامات مرتبط با نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جرایم جنگی و جنایت تجاوز برخوردار می‌باشد. در واقع دیوان با برخورداری از این صلاحیت‌ها به‌عنوان نخستین مرجع بین‌المللی کیفری در جهت مقابله با نقض حقوق بشر و همچنین حقوق بشردوستانه بین‌المللی محسوب می‌گردد. مرجعی که می‌تواند از یک سو با اعمال مجازات علیه جانیان و نقض کنندگان حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی عاملی برای بازدارندگی و جلوگیری از این جرائم باشد و از سوی دیگر با حمایت از قربانیان بالفعل و بالقوه نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، بارقه‌های امید را در آنها زنده نماید. (سید فاطمی، ۱۳۸۸: ۴۵۶)

مطابق با اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری افراد، کشورها و یا شورای امنیت تحت شرایط خاصی می‌توانند پرونده‌های کیفری را به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع دهند. براساس ماده ۱۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری دیوان برای بررسی پرونده‌های ارجاعی یا طرح دعواها می‌تواند به سه صورت به اعمال صلاحیت پردازد:

۱. ارجاع وضعیت یا امر معینی به دیوان توسط یکی از کشورهای عضو دیوان

براساس بند (a) ماده ۱۳ اساسنامه دیوان ارجاع یک وضعیت به دیوان می‌تواند توسط یکی از کشورهای عضو دیوان (The Rome Statute, Article 13: (a)) صورت پذیرد. این درخواست یا با اعلام اینکه جرم توسط تبعه یک کشور دیگر عضو انجام شده است (براساس اصل تابعیت) صورت می‌پذیرد و یا با اعلام یک کشور عضو مبنی بر اینکه انجام جرم در قلمرو یک کشور عضو بدون لحاظ تابعیت مجرم که ممکن است دولت متبوعش عضو دیوان باشد و یا نباشد (براساس اصل سرزمین) انجام می‌گیرد.

۲. ارجاع وضعیت یا امر معینی به دیوان توسط شورای امنیت

شورای امنیت به موجب بند (b) ماده ۱۳ اساسنامه دیوان می‌تواند در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد یک وضعیت را به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع نماید. (The Rome Statute, Article 13: (b) براساس این ماده شورای امنیت این اختیار را دارا است که جرمی را که نه توسط تبعه یک کشور عضو و نه در قلمرو یک کشور عضو دیگر ارتکاب یافته باشد، جهت بررسی قضایی به دیوان ارجاع نماید. بررسی این‌گونه وضعیت‌ها در شورای امنیت براساس فصل هفتم منشور نوعاً با هدف حفظ و یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی صورت می‌پذیرد.

۳. رسیدگی براساس ابتکار دادستان دیوان

به موجب بند (c) ماده ۱۳ اساسنامه دیوان، دادستان دیوان براساس شرایط مندرج در ماده ۱۵ اساسنامه می‌تواند فی نفسه^۱ در مورد جرم فردی که ممکن است تبعه یکی از دو دولت (دولتی که در قلمرو وی جرم واقع شده است و یا دولت متبوع متهم) عضو اساسنامه باشد، اعمال صلاحیت بنماید. به عبارت دیگر برای اعمال صلاحیت دیوان لازم و کافی است که یکی از دو دولت (دولتی که در قلمرو وی جرم واقع شده است و یا دولت متبوع متهم) عضو اساسنامه باشد (و یا صلاحیت دیوان را پذیرفته باشند). به‌عنوان مثال هرگاه سربازان ارتش اسرائیل در قلمرو دولتی مانند اردن که عضو اساسنامه است مرتکب یکی از جرائم موضوع صلاحیت دیوان گردند، به‌رغم عدم عضویت اسرائیل در دیوان، دیوان صلاحیت رسیدگی به جرائم آنان (با وجود عدم رضایت اسرائیل به صلاحیت دیوان) را خواهد داشت و بالعکس چنانچه سربازان کشوری که عضو دیوان است (مثل اردن) در کشوری مثل سوریه (که عضو دیوان نیست) مرتکب جرائم مذکور گردند، دیوان صلاحیت رسیدگی به موضوع را خواهد داشت.

علاوه بر این به موجب بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه دیوان در مواردی که اعلامیه

1. Proprio Motu.

پذیرش صلاحیت توسط کشور غیرعضو نزد دیوان سپرده می‌شود، دیوان صلاحیت بررسی موضوع ارجاعی آن کشور را خواهد داشت. (The Rome Statute, Article 12(3)) در این روش کشور غیرعضو می‌تواند طبق بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه اعلامیه پذیرش صلاحیت دیوان را در موارد خاصی بپذیرد. به موجب ماده مزبور یک دولت غیرعضو بدون اینکه اساسنامه را تصویب کند یا به آن ملحق شود، می‌تواند با سپردن اعلامیه نزد رئیس دبیرخانه به‌صورت موردی صلاحیت دیوان را نسبت به جنایات خاصی بپذیرد. (طهماسبی، ۱۳۸۶: ۳۱ و ۳۲)

ب - نحوه اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری در رسیدگی به گزارش گلدستون

براساس توضیحات ارائه شده روش‌های اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری به سه طریق می‌تواند در خصوص گزارش گلدستون به اجرا در آید:

۱. ارجاع گزارش از طریق اسرائیل به دیوان

یکی از راه‌های اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری و بررسی جنایات اشاره شده در گزارش گلدستون، عضویت اسرائیل در دیوان بین‌المللی کیفری و درخواست ارجاع موضوع به دیوان می‌باشد. این مسیر با توجه به عدم عضویت اسرائیل در دیوان بین‌المللی کیفری امکان عملی نخواهد یافت. واضح است که به دلیل عدم عضویت اسرائیل در دیوان بین‌المللی کیفری، دیوان از این طریق قادر به اعمال صلاحیت نمی‌باشد. از طرفی با توجه به اینکه ماهیت گزارش گلدستون علیه عملکرد افراد تبعه دولت اشغالگر اسرائیل و جنایات آنان در غزه می‌باشد، پذیرش صلاحیت دیوان و ارجاع گزارش از طریق اسرائیل به دیوان در آینده نیز بعید می‌نماید.

البته برخی با اشاره به عنصر پیوستگی ملیت^۱ اعلام نموده‌اند که دیوان براساس آن می‌تواند اعمال صلاحیت نماید. بر این اساس در صورتی که فردی در ارتش اسرائیل به هنگام جنگ جرمی مرتکب شده باشد و کشور متبوع وی عضو دیوان باشد، امکان

1. National Nexus.

طرح موضوع در دیوان وجود دارد. اما این مسیر نیز با چالش‌ها و مشکلاتی مواجه است. زیرا انجام تحقیق در این خصوص بسیار مشکل بوده و حتی در صورت اثبات این امر، بسیار سخت خواهد بود که دیوان آن را به تمامی جنایات انجام گرفته در جنگ غزه تسری دهد.

۲. ارجاع گزارش از طریق دولت خودگردان فلسطین به دیوان

یکی دیگر از راه‌های اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری در رسیدگی به گزارش گلدستون، پذیرش صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری از سوی دولت خودگردان فلسطین و متعاقب آن ارجاع موضوع به دیوان می‌باشد. اما در این خصوص نیز اعمال صلاحیت دیوان با محدودیت‌هایی مواجه می‌باشد. آنچه در ابتدا به نظر می‌رسد این است که دولت خودگردان فلسطین فاقد عنصر شناسایی کامل از نظر جامعه بین‌المللی بوده و حائز شرایط لازم برای عضویت در دیوان و یا پذیرش صلاحیت آن نمی‌باشد.^۱ از طرفی دیوان نیز تاکنون از اعلام نظر در خصوص اعلامیه پذیرش صلاحیت دیوان از سوی دولت خودگردان فلسطین مورخ ۲۲ ژانویه ۲۰۰۹ که مطابق با بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه دیوان صادر و صلاحیت دیوان را مورد شناسایی نامحدود قرار داده است (Simons, 2009)، امتناع نموده است. پذیرش صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری از سوی فلسطین، موجب خواهد شد تا افراد مرتکب جنایات جنگی در قلمرو فلسطین از هر کشوری که باشند از جمله اسرائیل توسط دیوان بین‌المللی کیفری مورد محاکمه قرار گیرند، و عضویت یا عدم عضویت کشور متبوع افراد مذکور در دیوان در محاکمه آنها تأثیری نخواهد گذاشت. اما همان‌طور که گفته شد، دیوان در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش درخواست دولت خودگردان هنوز اظهار نظر رسمی نکرده است. در این خصوص لوئیس مورینو اوکامپو^۲ دادستان دیوان بین‌المللی کیفری اعلام نموده است که

۱. اعضاء دیوان را کشورها تشکیل می‌دهند و با توجه به اینکه دولت خودگردان از شناسایی کامل به‌عنوان یک کشور برخوردار نشده است، قادر به عضویت در دیوان نمی‌باشد.
 2. Luis Moreno-Ocampo.

دیوان به علت عدم عضویت اسرائیل در دیوان صلاحیت رسیدگی به پرونده جنایات اسرائیل را ندارد اما با توجه به اینکه طرف فلسطینی صلاحیت دیوان را در تاریخ ۲۲ ژانویه ۲۰۰۹ پذیرفته است، مقامات دیوان این درخواست را با دید باز مورد بررسی قرار می‌دهند (Simons, 2009).

سین مورفی^۱ استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه جورج واشنگتن در این خصوص می‌گوید با توجه به فقدان اجماع در خصوص وضعیت سرزمین‌های اشغالی و غزه از نظر نوع حاکمیت فلسطینی‌ها، تصمیم به عهده دیوان بین‌المللی کیفری است که در این خصوص چطور عمل نماید (Luban, 2009). خانم بیتریس لو فراپر^۲ مدیر بخش صلاحیتی دیوان بین‌المللی در همین رابطه تأکید کرده است که دادستان دیوان موافقت نموده است که در خصوص صلاحیت خود بررسی لازم را به عمل آورد. وی اضافه نمود که دادگاه سعی می‌کند از طریق کارشناسان برای گرفتن پاسخ نسبت به پرسش‌های مطروحه در مورد شناسایی وضعیت دولت فلسطین اقدام لازم را انجام دهد (Simons, 2009).

اما باید توجه داشت که اظهار نظر دیوان در این خصوص با توجه به حساسیت‌ها و پیچیدگی‌های موجود و همچنین وضعیت خاص فلسطین و سرزمین‌های اشغالی بسیار مشکل بوده و چه بسا عدم اظهار نظر دیوان در طول دو سال گذشته تحت تأثیر همین شرایط بوده است. قابل ذکر است که متعاقب صدور اعلامیه پذیرش صلاحیت دیوان توسط دولت خودگردان فلسطین، موضوع صلاحیت دیوان در بررسی موارد نقض حقوق بشر در غزه براساس گزارش گلدستون و مبتنی بر پذیرش اعلامیه فلسطین توسط دیوان موجب طرح مباحث متعددی در زمینه اعمال صلاحیت دیوان شده است (Mendes, 2010: 3). به طوری که برخی مقالات و نظرات در حمایت از پذیرش اعلامیه دولت خودگردان به عنوان یک کشور و بخشی نیز در مخالفت با صلاحیت دیوان در این ارتباط به تحریر درآمده و حتی برای دادستان دیوان بین‌المللی کیفری ارسال شده است.

1. Sean Murphy.
2. Béatrice Le Fraper.

در همین ارتباط جان کویگلی استاد دانشگاه ایالتی اوهایو^۱، ضمن بررسی وضعیت فلسطین و تاریخ معاصر این کشور و نتیجه‌گیری و تأیید اینکه از نظر حقوق بین‌الملل عرفی حاکمیت این کشور محقق و مورد شناسایی قرار گرفته است، در خصوص پذیرش اعلامیه دولت فلسطین از سوی دیوان اعلام می‌نماید: برای دادستان دیوان بین‌المللی کیفری، موضوع وضعیت فلسطین به‌عنوان یک کشور، از پیچیدگی خاصی برخوردار می‌باشد. این کشورها هستند که می‌توانند با اعلام رضایت، امکان اعمال صلاحیت دیوان را در خصوص رسیدگی به جرائم ارتکاب یافته در قلمرو خود فراهم نمایند. از این رو یکی ابزارهای اولیه اعمال صلاحیت دیوان به‌دست آوردن رضایت کشورها می‌باشد. اگر فلسطین یک کشور نیست پس هیچ کشور دیگری که بتواند چنین ظرفیتی را برای اعمال صلاحیت دیوان در غزه فراهم کند وجود ندارد (Quigley, Spring 9: 2009). اظهار نظر فوق نشان می‌دهد که حمایت کنندگان از پذیرش اعلامیه فلسطین توسط دیوان، اعتقاد دارند با توجه به حجم گسترده جنایات در غزه و سرزمین‌های اشغالی و فقدان هرگونه امکانی برای بررسی این جنایات، دیوان با در نظر گرفتن مجموع شرایط سرزمین‌های اشغالی فلسطین و برای مقابله با بی‌کیفری و با عنایت به صلاحیت ذاتی خود در رسیدگی به جنایات مندرج در اساسنامه دیوان، اعلامیه پذیرش دولت خودگردان را به‌رغم عدم عضویت رسمی این کشور در سازمان ملل مورد پذیرش قرار داده و در خصوص گزارش گلدستون اعمال صلاحیت نماید.

در همین حال همان‌طور که گفته شد در مقابل این نظرات، آرای دیگری نیز وجود دارند که هرگونه شناسایی فلسطین را در چارچوب مفاد منشور ملل متحد دنبال می‌نمایند. براساس آرای مزبور، عضویت یک کشور در سازمان ملل متحد براساس بند ۲ ماده ۴ منشور ملل متحد از طریق توصیه شورای امنیت به مجمع عمومی صورت می‌پذیرد و تاکنون این شورا به‌رغم درخواست فلسطینی‌ها چنین توصیه‌ای را به مجمع عمومی ارائه نداده است.

1. John Quigley, President's Club Professor in Law, Moritz College of Law, and the Ohio State University.

۳. ارجاع گزارش از طریق شورای امنیت به دیوان بین‌المللی کیفری

همان‌طور که گفته شده یکی از راه‌های بررسی گزارش گلدستون از سوی دیوان ارجاع گزارش مزبور از طریق شورای امنیت می‌باشد. شورای امنیت براساس منشور ملل متحد مسئولیت صلح و امنیت بین‌المللی را به‌عهده داشته و می‌تواند براساس قواعد حقوق بین‌الملل پرونده جنایات افراد ارتش اسرائیل در غزه را بدون نگاه سیاسی و جانبدارانه به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع دهد.^۱ دیوان در صورت ارجاع پرونده توسط شورای امنیت، می‌تواند همانند موضوع دارفور سودان در سال ۲۰۰۵ و وضعیت حقوق بشر در لیبی در فوریه ۲۰۱۱، گزارش گلدستون را مورد بررسی قضایی قرار دهد. گفتنی است در پرونده وضعیت دارفور در سودان، شورای امنیت براساس ماده ۱۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (The Rome Statute, Article 16) موضوع جنایات در دارفور را جهت رسیدگی به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع داد ((S/RES/1593 (2005)). شورای امنیت در خصوص لیبی نیز مطابق همین ماده وضعیت حقوق بشر آن کشور را به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع داد ((S/RES/1970 (2011)).

اما شورای امنیت تاکنون از ارجاع گزارش گلدستون به دیوان امتناع نموده است. اعضای دائم شورای امنیت به استثناء چین حتی تمایلی برای بررسی گزارش گلدستون در نشست‌های عادی شورای امنیت از خود نشان نداده‌اند. برخی اعضاء نظیر فرانسه و انگلیس ضمن زیر سوال بردن بخش‌هایی از گزارش، در خصوص نحوه تعامل با گزارش مزبور در شورای امنیت به‌صورت مبهم اظهار نظر نموده و روسیه و آمریکا با ارجاع موضوع به شورای امنیت شدیداً مخالف کرده‌اند ((S/PV.6201(2009)). بنابراین اجرایی شدن توصیه‌های گلدستون از طریق ارجاع آن از سوی شورای امنیت به دیوان بین‌المللی کیفری عملاً با منع شورا مواجه می‌باشد.

این در حالی است که ظرفیت شورای امنیت برای رسیدگی به گزارش گلدستون و

۱. البته تنها اثری که ارجاع این پرونده‌ها از سوی شورای امنیت به دیوان از نظر حقوقی می‌تواند داشته باشد، این است که صرفاً یکی از شرط‌های مندرج در ماده ۱۳ اساسنامه دیوان برای اعمال صلاحیت توسط دیوان تحقق یافته است.

جرائم جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت در سرزمین‌های اشغالی فلسطین منحصر به فرد بوده و شورا بدون هیچ‌گونه محدودیت زمانی و بدون توجه به اینکه جنایات مورد نظر در سرزمین دولت‌های عضو یا از سوی اتباع این دولت‌ها و یا از سوی دولت‌های غیرعضو انجام پذیرفته باشد، (با توجه به عدم عضویت هیچ‌یک از طرف‌ها اعم از اسرائیل و یا دولت خودگردان فلسطین در دیوان) قادر خواهد بود موارد مندرج در گزارش گلدستون در خصوص جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت را به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع نماید.^۱

عدم تمایل شورای امنیت به ارجاع گزارش گلدستون به دیوان بین‌المللی کیفری، اساساً با اهداف شورای حقوق بشر و گزارش گلدستون مبنی بر حمایت از حقوق بشر و مقابله با بی‌کیفری و مجازات جنایت کاران در تعارض می‌باشد. زیرا هدف از برگزاری نشست ویژه از سوی شورای حقوق بشر و اعزام هیأت حقیقت‌یاب به غزه و سرزمین‌های اشغالی فلسطین، کشف جرائم ارتكابی و مجازات مرتکبین جنایات حقوق بشری و جلوگیری از بی‌کیفری بوده است. اجرای توصیه‌های گلدستون از طریق ارجاع موضوع به دیوان بین‌المللی کیفری می‌توانست در جهت عملی شدن این اهداف در راستای حمایت از حقوق بشر مؤثر واقع گردد.

دستاورد

۱. گزارش گلدستون نخستین گزارشی است که در چارچوب شورای حقوق بشر به‌طور ویژه به مسائل حقوق بشری و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی پرداخته و با برجسته کردن نقش شورای امنیت در حمایت از حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، عملاً مباحث حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین را با صلح و امنیت بین‌المللی مرتبط ساخته است. در این میان، نقش دیوان بین‌المللی کیفری در پاسخگو نمودن

۱. گفتنی است در موضوع وضعیت حقوق بشر در دارفور سودان و لیبی اگرچه این کشورها عضو دیوان بین‌المللی کیفری نمی‌باشند اما شورای امنیت راساً پرونده این کشورها را به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع داد.

مرتکبین جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت و محاکمه ناقضین حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در راستای تضمین آشکار نسبت به احترام به حقوق بشر و ارتقاء آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

۲. همبستگی بین مسائل حقوق بشری و مفاهیم صلح و امنیت بین‌المللی که در سند تاسیسی شورای حقوق بشر نیز بر آن تأکید شده است، در قالب گزارش گلدستون به عینیت رسیده و شورای حقوق بشر با این اقدام عملاً تحول جدیدی را در عرصه حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل که البته دستگاه‌های حقوق بشری سازمان ملل و کشورهای غربی از سال‌ها قبل به دنبال آن بودند، به منصفه ظهور رسانده است. این تحول جدید در صورتی می‌تواند به صورت حقیقی در حمایت و صیانت از حقوق بشر و صیانت مؤثر عمل نماید و موقعیت شورای حقوق بشر را در این مسیر تقویت و استحکام بخشد که تحت تأثیر ملاحظات سیاسی قدرت‌های تأثیرگذار در عرصه بین‌الملل قرار نگیرد. در صورت دخالت داده شدن ملاحظات سیاسی قدرت‌ها در اقدامات شورا، این امکان وجود دارد که در برخی مقاطع و تحت تأثیر منافع برخی قدرت‌ها، وضعیت‌های نه چندان ناگوار حقوق بشری برخی کشورها به بهانه ارتباط مسائل حقوق بشری با صلح و امنیت بین‌المللی به شورای امنیت کشانده شده و مجازات‌هایی علیه این کشورها اعمال گردد، درحالی‌که ممکن است در برخی مقاطع جنایات جنگی و ضد بشری و نقض‌های فاحش حقوق بشری به بهانه‌های متعدد نادیده گرفته شود. بدیهی است با چنین رویکرد سیاسی و در عین حال دوگانه و گزینشی، چنین تحولی نه تنها به تقویت احترام جهانی به حقوق بشر نمی‌انجامد، بلکه احتمال استفاده ابزاری از آن را جهت اعمال فشار بر برخی کشورها افزایش خواهد داد. واضح است که این امر موقعیت شورای حقوق بشر در حفظ و صیانت از حقوق بشر و ارتقاء آن را با توجه به اهداف آن تضعیف خواهد نمود.

۳. عملکرد شورای حقوق بشر به عنوان یک نهاد نظارتی و حمایتی حقوق بشری سازمان ملل در بررسی سریع به وضعیت حقوق بشر در غزه و سرزمین‌های اشغالی

فلسطین و اعزام هیأت حقیقت‌یاب و تصویب گزارش گلدستون و فراهم کردن زمینه ورود دیوان بین‌المللی کیفری جهت حمایت از حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین قابل تقدیر و ستایش می‌باشد. اما شورای حقوق بشر در اجرایی کردن توصیه‌های گلدستون به‌ویژه ارجاع گزارش به دیوان بین‌المللی کیفری جهت رسیدگی به جرائم جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت ناکام بوده است. بخصوص با توجه به اینکه هیچ‌یک از طرفین درگیر اعم از اسرائیل و یا فلسطین در دیوان بین‌المللی کیفری عضویت نداشته و دیوان نیز هنوز در مورد صدور اعلامیه پذیرش صلاحیت دیوان از سوی طرف فلسطینی اعلام نظر نکرده است. ارجاع مستقیم گزارش از سوی شورای امنیت به دیوان بین‌المللی کیفری نیز تا حد زیادی به اراده قدرت‌های بزرگ و تصمیم شورای امنیت بستگی دارد و شواهد امر حاکی از عدم تمایل جدی شورا در ورود به این موضوع می‌نماید. به هر حال شورای حقوق بشر به‌رغم تلاش‌هایی که برای توجه به وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از طریق برگزاری نشست ویژه و اعزام هیأت حقیقت‌یاب نموده است اما عملاً در حمایت مؤثر از حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و مقابله با بی‌کیفری در سرزمین‌های اشغالی توفیق چندانی نداشته است. ❖

منابع

طهماسبی جواد، ۱۳۸۶، «قلمرو زمانی صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری»، *مجله حقوقی*، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست‌جمهوری شماره سی و هفتم.

قاری سید فاطمی، سید محمد، ۱۳۸۸، *حقوق بشر در جهان معاصر*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.

کریانگ ساک، کیتی شیایزری، ۱۳۸۳، *حقوق بین‌المللی کیفری*، ترجمه بهنام یوسفیان - محمد اسماعیلی، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

A/HRC/12/48, Para 1969 (c).

A/HRC/12/48, Para 1970.

A/HRC/12/48, para 25.

A/HRC/12/48, Report of the United Nations Fact-Finding Mission on the Gaza Conflict.

A/RES/60/251.

Boyle, Francis, 2000, "International Law and Palestinian Independent Day", *Mid-East Realities*, 15 November 2000.

http://en.wikipedia.org/wiki/Foreign_relations_of_the_Palestinian_National_Authority#States_that_recognize_the_State_of_Palestine

<http://ipsnews.net/print.asp?idnews=45664>

<http://middleeast.about.com/od/documents/a/me081115f.htm>

<http://www.hartford-hwp.com/archives/27a/099.html>.

<http://www.icc-cpi.int>

<http://www.nytimes.com/2009/02/10/world/africa/10iht-hague.4.20086185.html>

http://www.uslaw.com/library/Legal_Journals/

ICJ Advisory Opinion of 9 July 2004.

Luban, Daniel, 2009, "ICC to Investigate Gaza War Crimes Pending Jurisdiction Review", *Harvard International Law Journal*, Archive for February, 2009.

Luban, Daniel, 2009, *ICC Investigating Israel War Crimes Charges*, NewYork: Inter Press Service.

Mendes, Errol, 2010, Statehood and Palestine for the Purposes of Article 12(3) of the ICC Statute: a Contrary Perspective, Faculty of Law, University Of Ottawa 30 March 2010.

Quigley John, 2009, "The Palestine Declaration to the International Criminal Court: The Statehood Issue", *Rutgers Law Record* ,Volume 35, Spring 2009.

Resolution 1593 of 31 March 2005.

Rome Statute of the International Criminal Court, 2011, The Hague: Partners Ipskamp, Enschede.

S/PV.6201 of 14 October 2009.

S/RES/1970 of 15 February 2011.

Simons, Marlise, "War court asked to examine Gaza war", *The New York Times*, Tuesday, February 10, 2009.